

بسم الله الرحمن الرحيم

عقوبات (مجازات) شرعی تحت نظام های وضعی

(ترجمه)



پرسش

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

آیا بر شخص گنهکار لازم است که به خاطر مجازات اعمالش؛ به طور مثال: "اعدام" تا تأسیس خلافت اسلامی انتظار بکشد؟ فرض کنید که شخصی تحت دولت سیکولر زنده گی می کند و مرتکب گناهی شده است که موافق به احکام شرعی باید اعدام گردد، پس اگر بخواهد که عقوبت (مجازات و حد شرعی) بر وی تطبیق گردد و برای این کار؛ مثلاً: از کسانی که مورد اعتماد باشد مطالبه نماید که حد و عقوبت شرعی را بر وی تطبیق کند، آیا این عمل وی در شریعت اعتبار دارد؛ یعنی عمل شرعی محسوب می گردد یا خیر؟

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

از پرسش شما واضح می شود که هدف تان رهایی یافتن از گناه و نجات از عذاب آخرت است و می دانید، اگر در دنیا مجازات شرعی بر شما تطبیق گردد، از عذاب آخرت که بسیار بزرگ و سخت است، نجات می یابید. بنابر این، شما پرسیده اید که آیا کدام مرجع برای تطبیق مجازات بر شما وجود دارد که به آن مراجعه نمایید؛ اما برادرم در این مورد اموری است که باید برایت توضیح دهم:

1 - مجازات دنیوی سبب عفو مجازات اخروی می گردد؛ به شرطی که مجازات شرعی توسط دولت اسلامی؛ یعنی دولتی که بر اساس شریعت الله سبحانه و تعالی حکم کند، تطبیق شود نه توسط دولتی که بر اساس قوانین بشری حکم کند. از جمله دلایل بر این موضوع، حدیثی است که بخاری از عباد بن صامت رضی الله عنه روایت می کند که عباد بن صامت فرمود:

«كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي مَجْلِسٍ، فَقَالَ: «تُبَايَعُونِي عَلَى أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تَزْنُوا، وَلَا تَسْرِقُوا، وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، فَمَنْ وَفَى مِنْكُمْ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ أَصَابَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَعُوقِبَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ، وَمَنْ أَصَابَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَسْتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ، إِنْ شَاءَ عَفَا عَنْهُ، وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ»

ترجمه: با رسول الله صلی الله علیه وسلم در مجلسی بودیم که چنین فرمود: بامن بیعت کنید در این که هیچ چیزی را در عبادت با الله سبحانه و تعالی شریک نگردانید، سرقت نکنید و هیچ نفسی را جز به حق نکشید. هر کی از میان شما به بیعت خویش متعهد ماند، الله سبحانه و تعالی اجرش را برای وی خواهد داد، هر کی یکی از این معاصی را مرتکب شود و مجازات شرعی در این دنیا بالایش تطبیق گردد، آن مجازات برای آن گناه، کفاره خواهد بود، هر کی یکی از این معاصی را مرتکب شود و الله سبحانه و تعالی وی را افشاء نکند (گناهان اش را پنهان کند) به الله سبحانه و تعالی واگذار می گردد، اگر الله سبحانه و تعالی خواست او را مجازات می کند و یا او را عفو خواهد کرد.

حدیث فوق این را واضح می سازد که اگر شخصی در دنیا مرتکب گناهی شود و مجازات شرعی بر وی تطبیق گردد، تطبیق مجازات در دنیا کفاره گناهی در آخرت می باشد و در روز قیامت بر این گناهی دیگر عذابی بر وی نمی باشد. هم چنان از این حدیث نیز واضح می شود، آن مجازاتی کفاره گناه می باشد که توسط دولت اسلامی؛ یعنی دولتی که در آن به خلیفه بخاطر تطبیق احکام اسلام بیعت صورت می گیرد، تطبیق گردد؛ چون حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم از این کلمه شروع می شود:

«تُبَايَعُونِي... فَمَنْ وَفَى مِنْكُمْ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ أَصَابَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَعُوقِبَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ»

ترجمه: با من بیعت کنید... و هر کی در میان شما بالای بیعت خویش متعهد ماند، الله سبحانه و تعالی اجرش را برای وی خواهد داد، هر کی یکی از این معاصی را مرتکب شود و مجازات شرعی در این دنیا بالایش تطبیق گردد، آن مجازات برای آن گناه، کفاره خواهد بود.

بدین معنی که تطبیق مجازاتی که کفاره گناه است، بستگی به بیعت به خلیفه دارد؛ یعنی لازم و ملزوم یک دیگر اند و به حاکمی بیعت صورت می گیرد که بر اساس اسلام حکم می کند؛ یعنی شریعت الله سبحانه و تعالی را تطبیق می کند. بنابر دلایل فوق الذکر، تطبیق مجازاتی که کفاره گناه در آخرت می باشد، مجازاتی است که توسط دولتی تطبیق گردد که بر اساس اسلام حکم می کند.

2 - از همین خاطر بعضی از مسلمانان زمانی که مرتکب گناه می شدند، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم می رفتند تا حدود و مجازات را بالای شان جاری ساخته و از عذاب روز قیامت که نسبت به مجازات دنیوی بسیار سخت است، نجات یابند. سلیمان بن بریده از پدرش (بریده) روایت می کند که فرمود:

«جَاءَ مَاعِزُ بْنُ مَالِكٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، طَهَّرْنِي، فَقَالَ: «وَيْحَاكَ، ارْجِعْ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَتُبْ إِلَيْهِ»، قَالَ: فَرَجَعَ غَيْرَ بَعِيدٍ، ثُمَّ جَاءَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، طَهَّرْنِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَيْحَاكَ، ارْجِعْ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَتُبْ إِلَيْهِ»، قَالَ: فَرَجَعَ غَيْرَ بَعِيدٍ، ثُمَّ جَاءَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، طَهَّرْنِي، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا كَانَتِ الرَّابِعَةُ، قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ: «فِيمَ أَطَهَّرُكَ؟» فَقَالَ: مِنَ الزَّنَى، فَسَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَبِهَ جُنُونٌ؟» فَأُخْبِرَ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَجْنُونٍ، فَقَالَ: «أَشْرَبَ خَمْرًا؟» فَقَامَ رَجُلٌ فَاسْتَنَكَّهَا، فَلَمْ يَجِدْ مِنْهُ رِيحَ خَمْرٍ، قَالَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَزْنَيْتَ؟» فَقَالَ: نَعَمْ، فَأَمَرَ بِهِ فَرَجِمَ... ثُمَّ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُمْ جُلُوسٌ، فَسَلَّمَ ثُمَّ جَلَسَ، فَقَالَ: «اسْتَغْفِرُوا لِمَاعِزِ بْنِ مَالِكٍ»، قَالَ: فَقَالُوا: غَفَرَ اللَّهُ لِمَاعِزِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقَدْ تَابَ تَوْبَةً لَوْ قُسِمَتْ بَيْنَ أُمَّةٍ لَوَسِعَتْهُمْ»

(رواه مسلم)

ترجمه: معاذ ابن مالک نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم، مرا پاک گردان. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: وای بر تو! برو ای معاذ از الله سبحانه و تعالی طلب مغفرت کن و به درگاه الله سبحانه و تعالی توبه نما. معاذ رفت و پس از مدت کوتاهی باز آمد و همان سخن را گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم مرا پاک گردان. رسول الله صلی الله علیه و سلم همان جواب را داد: وای بر تو! برو ای معاذ از الله سبحانه و تعالی طلب مغفرت کن و به درگاه الله توبه نما. سه بار این کار را تکرار کرد؛ بار چهارم که باز آمد، رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: ترا از چه پاک کنم؟ معاذ گفت: از زنا، رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: مگر دیوانه است این مرد؟ گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم، دیوانه نیست. گفت: مگر خمر نوشیده است؟ یکی برخاست دهان او را بویید و بوی خمر دریافت نکرد؛ آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: یا معاذ زنا کردی؟ معاذ گفت: بلی، رسول الله صلی الله علیه و سلم امر نمود که وی را رجم نمایند (آن را رجم نمودند)... سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و اصحاب نشسته بودند، سلام داد و وی نیز نشست و فرمود: به معاذ ابن مالک طلب مغفرت کنید! گفتند: الله سبحانه و تعالی معاذ ابن مالک را مغفرت نماید و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: او چنان توبه کرده است که اگر توبه وی میان جماعت از مردم تقسیم می گردید، بسنده بود.

چنان چه از این حدیث واضح شد، این مؤمن راستین خواست که از عذاب آخرت رهایی یابد. بناً خواستار تطبیق مجازات بر خویشتن در دنیا شد و این عمل وی (پناه بردن به رسول الله صلی الله علیه و سلم) که باید حد را بر وی تطبیق کند تا از مجازات اخروی که بسیار شدید و سخت است، رهایی یابد، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم بسیار محبوب قرار گرفته و این عمل وی را توبه صادقانه و مخلصانه تعبیر نموده و فرمود:

«لَقَدْ تَابَ تَوْبَةً لَوْ قُسِمَتْ بَيْنَ أُمَّةٍ لَوَسِعَتْهُمْ»

ترجمه: او چنان توبه کرده است که اگر توبه وی میان جماعت از مردم تقسیم می گردید، بسنده بود.

ای کاش بعد از خواندن این حدیث مثل او توبه می نمودی و به این درجه بزرگ نایل می شدی؛ اما فرق اش واضح است و واقعیت امروز با آن تفاوت دارد؛ چون آن شخص نزد حاکم مسلمان رفت که حد را بالایش جاری سازد؛ اما تطبیق مجازات توسط نظام های ساخته شده ی بشر حاکم بر سرزمین های اسلامی کفاره و سبب محو(بخشش) گناهان نمی شود؛ چون خلاف شرایطی است که ما آن را در فقره ی اول ذکر نمودیم.

بنابراین جایز نیست که به دولت های امروزی سرزمین های اسلامی یا به کدام گروه و یا حزب مراجعه نمایید که عقوبات را بر شما جاری سازد؛ چون این ها دولت اسلامی نیستند که بر اساس اسلام حکومت داری نمایند؛ پس تطبیق عقوبات توسط آنان غیرشرعی بوده، کفاره و سبب بخشش گناهان شما در روز قیامت نمی گردد؛ اما اموری که بالای شما در عصر کنونی به خاطر رهایی یافتن از گناه و نجات از مجازات اخروی لازم است قرار ذیل اند:

توبه نصح(صادقانه و مخلصانه) به درگاه الله سبحانه و تعالی نموده و از او سبحانه و تعالی بخواهی که گناهانت را ببخشد؛ چون الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾

[تحریم: ۸]

ترجمه: ای مؤمنان! به درگاه الله برگردید و توبه خالصانه ای کنید، شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید(بخشش نماید).

اعمال صالحه را بیشتر انجام داده و به آن پایند باشید؛ چون الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ﴾

[هود: ۱۱۴]

ترجمه: در دو طرف روز(وقت نماز صبح و عصر) و در اوایل شب(وقت نماز مغرب و عشاء) باید نماز را به جای آورید. بی گمان نیکی ها(و از جمله نمازهای پنجگانه) بدی ها را از میان می برد. بی گمان در این(سفارش ها و قانون های آسمانی) اندرز و ارشاد به کسانی است که پند می پذیرند و الله را یاد می کنند و به یاد می دارند.

و بهترین عمل صالح، کار کردن به خاطر تأسیس خلافت اسلامی است که حدود و عقوبات را بالای گنهکاران جاری می سازد و به وسیله تطبیق و جاری ساختن این حدود، شخص گنهکار از گناه رهایی یافته و از عذاب روز قیامت در امان می ماند. هم چنان در عدم موجودیت "خلیفه" حاکمی که بر اساس اسلام حکومت کند، بر مسلمانان واجب است که جهت تعیین خلیفه به اندازه ی توان خویش کوشش نمایند و موجودیت خلیفه فرض است و این فرض چی مقامی دارد؟ خلافت فرض است که حدود و احکام واجب الله سبحانه و تعالی را برپا می دارد و از جمله دلایل فرضیت خلافت این است:

«و مالا یتیم الواجب الابه فهو واجب»

ترجمه: هر آن چیزی که اتمام واجب منوط به آن باشد همان چیز نیز واجب است.

بالخصوص تطبیق حدود فرض عظیم است که در آن خیر و صلاح و یک پارچگی امت نهفته است. ابن ماجه از ابوهریره رضی الله عنه در سنن خویش روایت نموده است که رسول الله صلی الله علی وسلم فرمود:

«حَدُّ يُعْمَلُ بِهِ فِي الْأَرْضِ خَيْرٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يَمْطُرُوا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»

ترجمه: تطبیق نمودن یک حد از حدود الله سبحانه و تعالی در روی زمین برای اهل زمین بهتر است نسبت به چهل صبح باران باریدن.

امید است که این موضوع به شخص پرسنده واضح شده باشد و نیز برای وی روشن شده باشد که درست نیست تحت نظام های سیکولر از کسی مطالبه نماید که بر وی عقوبات شرعی را جاری و تطبیق کند و لو که اشخاص مورد اعتماد باشند. این عقوبات کفاره گناه شده نمی توانند؛ چون عقوباتی که کفاره و سبب بخشش گناهان می شود، عقوباتی اند، تحت دولت اسلامی که بر اساس اسلام حکومت می نماید تطبیق شوند؛ چنان چه این موضوع را در فوق توضیح دادیم.

برادر شما عطاء بن خلیل ابوالرشته

۸ شوال ۱۴۳۸ هـ.ق

۲ جولای ۲۰۱۷ م